



شناخت ابن خلدون و بررسی پدیده روستا و شهر در اندیشه ایشان

نامزد پوهنیاړ بسم الله مسعود

دیپارتمنت تاریخ پوهنځی علوم اجتماعی پوهنتون بدخشان

Besmellahmasoudmasoud@gmail.com

Http://Orcid.Org/0009-0001-0143-6776

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

پوهنمل دکتړ حبیب الرحمن "رضایوړ"

دیپارتمنت تعلیمات اسلامی پوهنځی شرعیات پوهنتون بدخشان

habibraghi@gmail.com

https://orcid.org/0009-0001-1109-9312

نویسنده

نشانی برقی

نشانی ارکاید

چکیده

شهر و روستا برآیند نتیجه حکمت نظری و حکمت عملی است که به مدد اندیشه ها و فرایندها در طی زمان با تبلور کالبدی آن رخساره نموده و مفهوم شهر دهکده با شاخصه های شناختی آن پدید آمده است. حکمت نظری مبین اندیشه های آرمانشهری و جریان فکری است که در فراسوی نظام ظاهری شهرودها قرار دارد و حکمت عملی اسلوب ساخت ویژه در شهر را بیان می دارد. پژوهش حاضر برآن است تا به تحلیل حکمت نظری دهکده و شهر در اندیشه پدرجامعه شناسی - ابن خلدون بپردازد. و چارچوب فرایندی و محتوایی آن را روشن نماید. در مقاله حاضر روش مورد استفاده روش کتابخانه ای - تحلیلی بوده و یافته های تحقیق نشان می دهد که مفهوم نظام فرهنگی و ویژگی های اخلاقی و اجتماعی یکی از بارزترین مفاهیم دراعتمادی مفهوم و نقش شهر و زندگی در دهکده است و این ویژگی ها براساس چگونه گی تبلور یا شرایط اجتماعی و طبیعی قابل تغییر است. ابن خلدون در نهایت تأکید می کند که هر دو نوع زندگی، مزایا و معایب خود را دارند و درک این تفاوت ها می تواند به بهبود زندگی اجتماعی و اقتصادی جوامع کمک کند. او به اهمیت تطابق بین نیازهای انسانی و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی تأکید می ورزد. نظریات ابن خلدون درباره شهرنشینی و دهکده نشینی نه تنها در زمان او بلکه در عصر معاصر نیز می تواند به عنوان مبنایی برای تحلیل جوامع مختلف و درک بهتر تغییرات اجتماعی مورد استفاده قرارگیرد.

کلیدواژه ها: ابن خلدون، شهر، دهکده، عصیت و جامعه.

Understanding Ibn Khaldun and Examining the Phenomenon of Village and City in His Thought

Besmallah Masoud

Author Department of History, Faculty of Social Sciences, Badakhshan University
Email Besmallahmasoudmasoud@Gmail.Com
Orcid Http://Orcid.Org/0009-0001-0143-6776

Habiburrahman Rizapoor

Author Department of Islamic Studies, Faculty of Shariah, Badakhshan University
Email habibraghi@gmail.com
Orcid https://orcid.org/0009-0001-1109-9312

Abstract

The city and the village are the outcome and synthesis of both theoretical and practical wisdom, which, through intellectual reflections and processes over time, have manifested in a tangible form, thereby giving rise to the concepts of the city and the village with their distinctive cognitive characteristics. Theoretical wisdom reflects utopian ideas and intellectual currents that transcend the external structure of urban and rural systems, whereas practical wisdom represents the specific methods of construction within the city. The present study aims to analyze the theoretical wisdom of village and city life in the thought of the father of sociology, Ibn Khaldun, and to clarify its procedural and substantive framework. The methodology employed in this article is library-based and analytical. The findings of the research indicate that the concept of cultural systems and the moral and social characteristics represent some of the most prominent elements in the development of the notions of the city and village life. These characteristics, however, are subject to change depending on the conditions of social and natural crystallization. Ultimately, Ibn Khaldun emphasizes that both forms of life possess their own advantages and disadvantages, and that understanding these differences can contribute to improving the social and economic life of communities. He highlights the importance of harmony between human needs and social as well as economic structures. Ibn Khaldun's perspectives on urbanism and rural life remain relevant not only in his own era but also in contemporary times, serving as a foundation for analyzing diverse societies and for gaining a deeper understanding of social transformations.

Keywords: Ibn Khaldun, city, village, asabiyyah (social cohesion), society.

مقدمه

ابن خلدون، تاریخ‌نگار، جامعه‌شناس و فیلسوف برجسته مسلمان، در آثار خود به‌ویژه در مقدمه، به تحلیل دقیق و عمیق پویایی‌های اجتماعی و اقتصادی جوامع پرداخته است. یکی از مباحث اساسی در اندیشه او، گذار از جامعه روستایی به جامعه شهری و پیامدهای ناشی از آن است. اهمیت این موضوع نه تنها در فهم تحولات تاریخی جوامع بلکه در ارتباط با مسائل معاصر نیز همچنان برجاست. از این‌رو، پژوهش حاضر به بررسی دیدگاه‌های ابن خلدون پیرامون شهرنشینی و روستانشینی می‌پردازد.

با پیدایش شهرها در نقاط مختلف جهان طی قرون متمادی، گروهی از اندیشمندان و نویسندگان نیز در دوره‌های گوناگون به پژوهش درباره ابعاد مختلف زندگی شهری و روستایی، و همچنین شاخصه‌ها و ویژگی‌های شهرنشینی و روستانشینی پرداخته و آثار ارزشمندی از خود به جای نهاده‌اند. مطالعه این آثار نشان می‌دهد که از آغاز شکل‌گیری شهرنشینی در تاریخ بشر بیش از چند هزار سال نمی‌گذرد. از سوی دیگر، بررسی شهرهای باستانی بیانگر آن است که این مراکز طی قرون گذشته دگرگونی‌های چشمگیری را تجربه کرده‌اند. افزون بر این، مکاتب دینی و فلسفی جهان نیز در روند شکل‌گیری و تکامل خود با محیط زیست انسان - به‌ویژه شهر - برخوردهای متنوعی داشته‌اند و هر یک شرایط و ویژگی‌های خاصی را برای جایگاه زیست انسان و ابعاد گوناگون آن تبیین کرده‌اند.

ابن خلدون به‌عنوان یک وقایع‌نگار، از برجسته‌ترین تاریخ‌نگاران جهان اسلام به‌شمار می‌آید. او حدود پنجاه سال از عمر هفتاد و دو ساله خویش را صرف مشاهده و بررسی سازمان‌ها و ساختارهای حکومتی کرد و حاصل این تجربه‌ها را در کنار آثار فراوان خود، در سه کتاب شامل هشت جلد نگاشت. نخستین اثر او کتاب العبر است که در همان زمان به‌عنوان اثری مستقل شناخته شد و بخش آغازین آن به نام مقدمه شهرت یافت (لبید، ۱۹۹۰). مقدمه در واقع نخستین تلاش نظام‌مند برای تجزیه و تحلیل روابط گروهی حاکم بر سازمان‌های سیاسی و اجتماعی بشری بر پایه عوامل محیطی و روان‌شناختی به‌شمار می‌رود.

تبیین مسأله

در بررسی اندیشه‌ها و آثار اندیشمندان حوزه علوم اجتماعی، پیش از هر چیز باید به شرایط اجتماعی، سیاسی، زمانی و مکانی آنان توجه داشت تا بتوان به نتایجی معتبر و قابل استناد دست یافت. ابن خلدون، متفکر برجسته مسلمان و بنیان‌گذار علم جامعه‌شناسی، نظریه‌ای جامع درباره شهرنشینی و روستانشینی ارائه کرده است. او در کتاب مقدمه به بررسی رابطه متقابل میان زندگی

شهری و روستایی می‌پردازد و تأکید می‌کند که این دو حوزه به‌طور مستقیم بر یکدیگر تأثیرگذارند (ابن خلدون، ۱۳۷۳).

نظریات وی درباره قبیله‌گرایی و انتقال جمعیت از مناطق روستایی به شهرها از جمله عواملی است که تأثیری عمیق بر تحولات اجتماعی و فرهنگی جوامع مختلف بر جای نهاده است. ابن خلدون به‌ویژه به نقش کشاورزی و تولیدات محلی در توسعه شهری اشاره می‌کند و معتقد است که این عوامل پیوندهای اجتماعی و اقتصادی را تقویت می‌کنند (غزالی، ۲۰۱۰).

ابن خلدون در مقدمه شیوه‌ای نوین در نگارش وقایع تاریخی به کار گرفت و از طریق آن نشان داد که هدف وی پرداختن به خود کشمکش‌های طبقاتی نیست، بلکه تمرکز او بر عوامل پدیدآورنده این رخدادهاست. او تلاش می‌کند این عوامل را با محک تجربه و آزمون بسنجد و بدین‌گونه به صحت و سقم آن‌ها پی ببرد. از دیدگاه ابن خلدون، وظیفه مورخ و پژوهشگر، بررسی دقیق واقعیت‌های تاریخی و کشف علل بروز آن‌هاست. بنابراین، مفهوم تاریخ در اندیشه او تبیین رخدادها بر اساس کنش و واکنش متقابل انسان و محیط پیرامون اوست. به همین سبب، شهر به‌عنوان عرصه اصلی این کشمکش‌های فکری و فیزیکی، در گذر زمان دگرگون می‌شود و آثار انکارناپذیری بر کالبد خویش برجای می‌گذارد.

از این منظر، ابن خلدون نگاه ژرف و جستجوگر خود را متوجه پدیده شهر و مفهوم شهروندی می‌سازد. او در برخی مواضع تا آنجا پیش می‌رود که شهر را به کلی نفی کرده و از آن به‌عنوان کانون فساد و تباهی یاد می‌کند و ساکنانش را فاقد ارزش‌های اخلاقی می‌شمارد (علیمردانی، ۱۳۸۵).

دست‌آورد بزرگ ابن خلدون آن است که نهادهای قرون وسطایی را، که در روند تحولات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جوامع عصر او نقش آفرین و گاه بحران‌زا بوده‌اند، شناسایی و تبیین کرده است. شایان ذکر است که هرچند نظریات ابن خلدون عمدتاً به محیط شمال آفریقا مربوط می‌شود، اما به دلیل پویایی و عمق اندیشه‌اش، چارچوب نظری او از معنایی فراملی و ارزشی جهانی برخوردار است و می‌تواند در دوره‌های گوناگون و در مکان‌های متفاوت کاربرد یابد.

هدف اصلی از بررسی آثار ابن خلدون، کشف معانی حقیقی مفاهیم متنوع و جهان‌بینی او در مواجهه با پدیده‌های مختلف است تا بتوان میان ابعاد گوناگون اندیشه وی پیوندی علمی برقرار کرد. از همین‌رو، با راهیابی به چارچوب نظری او و تفسیر دیدگاهش در باب زندگی انسانی، می‌توان به نقد اخلاق شهروندان از منظر ابن خلدون دست یافت.

پرسش‌های تحقیق

پرسش اصلی: مبانی نظری ابن خلدون در خصوص شهر و روستا چیست؟

پرسش‌های فرعی

- ۱- چه عواملی به نظر ابن خلدون در شکل گیری و توسعه شهرها موثر هستند؟
- ۲- رابطه بین شهر و روستا در اندیشه ابن خلدون چگونه توصیف می شود؟

اهمیت تحقیق

ابن خلدون، فیلسوف و مورخ بزرگ مسلمان، در کتاب مشهور خود مقدمه تحلیلی جامع و عمیق از تاریخ و جامعه ارائه داده است. یکی از موضوعات مهم و قابل توجه که وی به آن پرداخته، رابطه میان شهر و روستا و تأثیر متقابل این دو بر یکدیگر است. مطالعه اندیشه‌های او در زمینه شهر و روستا می‌تواند به درک بهتر فرآیندهای اجتماعی و تاریخی کمک کند.

ابن خلدون با بررسی تاریخی جوامع مختلف، به الگوهای تکرارشونده‌ای دست یافت و نشان داد که چگونه شهرها و روستاها در طول تاریخ بر یکدیگر تأثیر گذاشته‌اند و این تأثیرات چگونه به تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع منجر شده است. وی همچنین بسیاری از مسائل معاصر، مانند مهاجرت از روستا به شهر، توسعه پایدار و نابرابری‌های اجتماعی را ریشه در روابط میان شهر و روستا می‌داند.

اهمیت مطالعه اندیشه‌های ابن خلدون در این است که می‌تواند امکان نگریستن به این مسائل از زاویه‌ای نو فراهم کند و راهکارهای مناسب‌تری برای حل آن‌ها ارائه دهد.

اهداف تحقیق

هدف اصلی: شناخت و تبیین مبانی نظری ابن خلدون درباره شهر و روستا و تحلیل رابطه و تعامل میان این دو پدیده در اندیشه او، با تمرکز بر شناخت چالش‌ها و فرصت‌های موجود در روابط متقابل شهر و روستا و بررسی راهکارهای بهبود کیفیت زندگی و مدیریت خدمات عمومی در این بستر.

اهداف فرعی:

۱. شناسایی و تحلیل عوامل مؤثر در شکل‌گیری و توسعه شهرها از منظر ابن خلدون.
۲. بررسی و توصیف رابطه بین شهر و روستا در اندیشه ابن خلدون و نقش این رابطه در پویایی اجتماعی و اقتصادی جوامع.
۳. تحلیل چالش‌های ناشی از مهاجرت روستاییان به شهرها و تأثیرات اجتماعی-فرهنگی آن، به ویژه مسأله حاشیه‌نشینی و تنش‌های اجتماعی.
۴. ارزیابی عملکرد دولت و مسئولین در ارائه خدمات به اقشار مختلف ساکن شهر و روستا و پیشنهاد راهکارهایی برای بهبود عدالت در توزیع خدمات.
۵. بهره‌گیری از دیدگاه‌های ابن خلدون در شناسایی مزایا و معایب روابط متقابل میان شهر و روستا و تدوین شاخصه‌های زندگی سالم و متعادل در این دو محیط.

پیشینه‌ی تحقیق

ابن خلدون در پرتو روش علمی خود، دیرزمانی پیش از ظهور علوم انسانی جدید، برخی از مفاهیم مهم آن‌ها را قبل از اندیشمندان عصر جدید طرح می‌کند، که شامل موارد مفهوم تکامل طبیعی، طبیعی بودن امور اجتماعی، توجه و درک اهمیت عامل جغرافیای، اصالت عامل اقتصادی، جبر تاریخ، نادرستی تعصبات نژادی تبیین منشأ دولت، مسایل مهم مهاجرت و شهرنشینی و جامعه‌شناسی روستایی و جامعه‌شناسی شهری، اهمیت حیاتی عصیت یا انسجام اجتماعی و غیره...

ابن خلدون همچنان که در زمینه حقایق علمی از عصر خود پیش می‌افتد، از لحاظ برخی از فضاایل اجتماعی هم به مردم قابل اعتبار تراست تا به معاصران خود. به طور مثال برخلاف سنت مبتنی بر نظریه ارسطو، برده دارای را امری غیر طبیعی و ناهنجار می‌شمارد (Taha Hossein, ۱۹۳۶).

در عصر حاضر محققان اسلامی و غربی به مقام والای عبدالرحمن ابن خلدون پی برده اند، توین بی، فیلسوف بلند آوازه تاریخ بیان داشته است که مقدمه «بدون شک در نوع خود از همه آثاری که در هر زمان و مکانی از ذهنی تراوش کرده اند، بزرگ تراست» (Toynbee, ۱۹۴۵).

خاورشناس شوروی سابق، بات سوا، ابن خلدون را چنین تعریف نموده «ابن خلدون مردی با ذهن نظام پرداز و وقار و قدرت مشاهده دقیق، سیاستمداران فعال با گرایش به تعمیم نظری، محقق با تمایل عملی نیرومند- تمام دانش‌ها و آزمایش‌های را که در عرصه سیاسی و علمی مغرب فراهم آورده بود، در رساله تاریخی و فلسفی برجسته‌ای که در علم عصر میانه نظیری نیافته است نهاد» (Batseva, ۲۰۰۵).

خاورشناس بزرگ معاصر، اروین روزن تال در مقاله «ابن خلدون و ماکیاولی» با مقایسه اندیشه‌های سیاسی این دو نتیجه می‌گیرد: «چون این دومرد را برابرنهیم و اندیشه آن‌ها را درباره دولت مقایسه کنیم، پی می‌بریم که هر دو آنان دولت را از نفوذ و سلطه دین مستقل گرفتند و با نظری نو، به امروز سیاسی نگریستند. هر دو به شیوه‌ای کاملاً واقع‌گرایانه اندیشیدند، خود را از ملاحظات اخلاقی و لاهوتی برکنار داشته و بی تعصب دولت را آنچنان که بود، مورد مشاهده قرار دادند». کسانی که موضوعات شهر و روستا را دنبال نموده اند و پژوهش‌ارایه نموده اند ایشان اند.

- محمد نقی زاده وسعیده محتشم امیری «توسعه پایدار شهری از منظر ابن خلدون».
- احمدپوراحمد و احمد خلیلی «بررسی سیر تحول و تکوین شهر و دولت در اندیشه ابن خلدون».
- دکتر مسعود علیمردانی «سیر تحول شهرنشینی و ویژگی‌های اجتماعی شهرنشینان در اندیشه ابن خلدون».

روش تحقیق

این پژوهش هم از نوع بنیادی وهم از نوع کاربردی و حاصل بررسی مقالات و تحلیل محتوای کیفی بوده که براساس تحلیل اسنادی متون و دیدگاه‌های موجود به شناخت از شخصیت ابن خلدون و پدیده روستا و شهر در اندیشه ایشان می انجامد.

نتایج و یافته‌ها

شرایط اجتماعی و سیاسی زندگی ابن خلدون و معرفی مقدمه: به طور کلی با بررسی سیر زندگی ابن خلدون درمی یابیم که وی دوران پرنشیب و فرازی را در طول عمر خود طی نموده است. او در سال ۷۳۲ هجری قمری مطابق با (۲۷ مه ۱۳۳۲ میلادی) در تونس و در خانواده‌ای اندلسی متولد شد. خاندان پدری نامبرده همواره در مناصب مختلف دولتی و در سطوح بالا نظیر وزارت، ریاست و وکالت نقش عمده‌ای در شکل‌گیری دولت‌های وقت داشته‌اند. ابن خلدون از دوران کودکی به علت حضور در مجالس پدرش همواره دوا حساس کاملاً مغایر باهم را در خود تقویت نمود شیفتگی به جاه و مقام و دلبستگی به مطالعه و کسب دانش. (ابن خلدون ، ۱۳۳۳/۲۸).

تحصیلات اولیه ابن خلدون در رشته علوم دینی و فلسفی و نوشته‌هایش درباره این علوم، زمینه‌های حرفه آینده او را فراهم آورد. ابن خلدون در عصری زندگی می کرد که جامعه اش دچار تغییرات همه جانبه بود. بیماری طاعون و جنگ در زندگی سیاسی و اجتماعی وی نقش انکار ناپذیری را ایفا نموده‌اند.

ابن خلدون با توجه به سفرهای مکرر و نقل مکان‌های متعددی که طی چهاردهه اول عمر خود انجام داده بود توانست اطلاعات جامع و ذی قیمتی در باب فقه، تاریخ، ادب، فلسفه، کلام و اصول به دست آورد. علاوه برآن به علت حوادث سیاسی اتفاق افتاده در طول زندگی وی طی این دوران باعث شد تا تحولی جدید در نگرش او نسبت به اوضاع دایم‌التغیر اجتماع پدیدآید به عبارت دیگر ابن خلدون به علت سرگشتگی در فهم عوامل اجتماعی نتوانست به شناخت صحیح جامعه خود نایل آید. و بدین جهت دچار عزلت و گوشه نشینی گردید و تا مدت‌های مدیدی گوشه خلوت اختیار کرد. این گوشه نشینی او منجر به تفکر و تحقیق درباره اوضاع سیاسی و روند علم در آن زمان گردید. چهار سال تنهایی در قلعه سلامه (کشور کنونی الجزایر) یکی از درخشان‌ترین دوره‌های زایش اندیشه اجتماعی در تاریخ اسلام است. او خود درباره آن روزها می نویسد.

« در آن قلعه فارغ از کلیه مشاغل و اعمال اقامت گزیدیم و هنگام اقامت در آن به تألیف این کتاب آغاز کردم و مقدمه آن را بدین شیوه شگفت در آن عالم به تنهایی تکمیل نمودم. زیرا در این ایام مطالب بسیار بر فکر من هجوم آورد و من زبده و چکیده آن ها را در این تألیف آوردم. (همان، ۶۴).

با مطالعه و بررسی آثار به جای مانده از ابن خلدون در می یابیم که او سخت مجذوب علوم عقلی بوده و این امر عمدتاً ناشی از واقعیت های اجتماعی و سیاسی آن زمان از یک طرف و اندیشه های سیاسی و تفکرات وی در منطق و علوم دقیقه از طرف دیگر می باشد. بدین لحاظ در تفکرات سیاسی ابن خلدون هیچ نوع بیان آرمانی مشاهده نمی گردد زیرا او علی رغم آن همه ناملایماتی که از جوامع دوران خود دیده بود در برابر سازمان های بنیادین اجتماع به هیچ وجه موضع مخالفی احرار نکرد. به عبارت بهتر، واقعیت های سیاسی و اجتماعی موجود آن زمان با آرمان های مذهبی یا فلسفی اجتماعی در هیچ یکی از کتاب های ابن خلدون با هم مقایسه نشده است. علاوه بر آن در زمینه نقد تفکرات وی می توان چنین عنوان کرد که نامبرده به علت کاوش در آثار گذشتگان و کند و کاوش در رشته های مذکور دریافته بود که دانشمندان پیشین تنها به صورت گذرا و نه عمیق به تحلیل و بررسی حوادث گوناگون و علت وقوع آنها پرداخته اند.

از این جهت ابن خلدون در صدد برآمد تا علم جدیدی را پایه گذاری نماید که بتواند علت غایی مسائیل مختلف را تبیین نموده و حوادث گوناگون را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل عمیق قرار دهد زیرا مسئله اصلی او چرایی تغییر ساختار اجتماعی جامعه دوران خویش و یافتن پاسخ آن است. با شناخت کلیات زندگی ابن خلدون و نیز شرایط حاکم بر زمانه او می توان طول دوران حیات اجتماعی وی را به سه دوره کلی تقسیم نمود. به عبارت دیگر زندگانی عملی و فکری ابن خلدون پس از دوران تحصیل از تاریخ دخول او در عرصه اجتماعی به سه دوره اساسی تقسیم می شود. دوره اول: دوران فعالیت های سیاسی وی در بلاد مغرب که متجاوز از بیست سال ۱۳۷۴-۱۳۵۲ میلادی) ادامه یافته است.

دوره دوم: روزگار انزوا و گوشه نشینی و اندیشه و تألیف المقدمه در قلعه ابن سلامه در نزد اولاد بنی عریف که فقط چهار سال (۱۳۷۴-۱۳۷۸ میلادی) به طول انجامیده است.

دوره سوم: ایام اشتغال وی به تدریس و امور قضایی همراه با مراجعه و تجدید نظر در تألیفات خویش که مدت آن هجده سال بوده است (۱۳۷۸-۱۴۰۶ میلادی) هر چند دوره انزوا وی نسبت به دو دوره دیگر بسیار کوتاه بود، ولی همین چند سال در حقیقت نقطه تحول بسیار مهمی در زندگانی وی به شمار می رود.

خصیصه مطالعات دینی و فلسفی ابن خلدون نشان می دهد که وی همواره با مسئله اساسی اندیشه اسلامی یعنی روش اهل سنت و فلاسفه برخورداریافته و از این طریق سعی می نموده تا بین

شریعت و تعقل رابطه‌ی ای منطقی و اصولی برقرار و تبیین نماید. زیرا تحصیلات اولیه او در علوم فلسفی این مهم را به وی آموخته بود که درک هر موضوع مستلزم تحقیقی است که یا گذشته‌گان انجام داده‌اند و یا از طریق تجربه شخصی به دست می‌آید. در نتیجه ابن خلدون احساس کرد که می‌باید علم تازه‌ای را پایه‌گذاری نماید که به این مسئله بسیار مهم بپردازد. وی دوسال از عمر خود را در قلعه ابن سلامه صرف تدوین و تبیین این امر قرار داد و آن را علم العمران نامید. ابن خلدون علم عمران را به لحاظ موضوع جدید و حیطه آن را متفاوت از سایر علوم دانسته و از دانش زمان خویش نیز متمایز می‌نماید. وی می‌گوید: دایره آن را در میان علوم توسعه بخشیدم و گرداگرد آن را دیوار کشیدم، آن را در میان علوم توسعه بخشیدم، آن را از علم‌ها جدا ساختم و اساس آن را بنیان نهادم. (ابن خلدون، ۹/۱۳۳). ابن خلدون مدعی است که علم العمران تنها توسط وی تاسیس گردیده. قبل از او هرگز این علم مطرح نشده و بنابراین علم عمران به هیچ وجه بخشی از علوم دیگر به حساب نیامده و موضوع آن مورد توجه دیگر اندیشمندان قرار نگرفته است. و باید دانست که سخن راندن در باره این هدف نوظهور و شگفت‌انگیز و پرسودا است و آگاهی بر آن در نتیجه تحقیق و ژرف بینی من است. (ابن خلدون، ۶۹/۱۳۳۳)

اجتماع بشری از دید ابن خلدون: از اینکه اجتماع نوع انسان ضروریست و حکیمان این معنی را بدینسان تعبیر می‌کنند که: انسان دارای سرشت مدنی است، یعنی ناگزیر است اجتماعی تشکیل دهد که در اصطلاح ایشان آن را مدنیت (شهرنشینی) گویند و معنی عمران همین است^۱. و بیان آن چنانست که خدای سبحانه، انسان را آفرید و او را به صورتی ترکیب کرد که زندگانی و بقایش بی تغذیه میسر نیست و او را به جستن غذا به فطرت رهبری کرد و در ساختمان بدنی او توانایی بدست آوردن غذا را تعبیه فرمود. (ابن خلدون، ۲۳۰)

زندگی مردم بادیه نشین و شهرنشین به طور یکسان بر وفق عوامل طبیعی است: باید دانست که تفاوت عادات، رسوم و شئون زندگانی ملت‌ها در نتیجه اختلافی است که در شیوه معاش (اقتصاد) خود پیش می‌گیرند، چه اجتماع ایشان تنها برای تعاون و همکاری در راه بدست آوردن وسایل معاش است و البته در این هدف از نخستین ضروریات ساده آغاز می‌کنند و این گونه اجتماعات ابتدایی و ساده نوعی تلاش و فعالیت پیش از مرحله شهرنشینی و رسیدن به مرحله تمدن کامل است. از این رو گروهی به کار کشاورزی از قبیل درختکاری و کشت و کار می‌پردازند و دسته‌ای امور پرورش حیوانات مانند گوسفند داری و گاو داری و تربیت زنبور عسل و کرم ابریشم را پیشه می‌سازند تا از نسل گذاری آنها بهره‌مند شوند و محصول‌های آنها را مورد استفاده قرار دهند. و دو دسته مزبور که به کشاورزی و پرورش حیوانات می‌پردازند مجبور اند در دشت‌ها و صحراها بسر برند و زندگانی صحرا نشینی را برگزینند، زیرا دشت‌های پهناوری که دارای کشتزارها و زمین‌های حاصلخیز

و چراگاههای حیوانات و جزاین هاست برای منظور آنان شایسته تر از شهرها می باشد و بنابراین اختصاص یافتن طوایف مزبور به بادیه نشینی امری ضروری و اجتناب ناپذیر بوده است. و در این شرایط اجتماع و همکاری ایشان در راه بدست آوردن نیازمندیها و وسایل معاش و عمران از قبیل مواد غذایی و جایگاه و مواد سوخت و گرمی به مقداری است که تنها زندگی آنان را حفظ کند و حد اقل زندگی یا مقدار سد جوع در دسترس ایشان بگذارد بی آنکه در صدد بدست آوردن مقدار فزونی برآیند زیرا آنها از گام نهادن در مرحله ای فراتر از آن عاجزاند.

ولی هنگامی که وضع زندگی همین طوایف که بدین شیوه می زیستند توسعه یابد و در توانگری و رفاه به مرحله ای برتر از میزان نیازمندی برسند آن وقت وضع نوین، آنان را به آرامش طلبی و سکونت گزیدن و امیدارد و برای بدست آوردن میزان بیشتر از حد ضرورت و نیاز با یکدیگر همکاری می کنند و در راه افزایش خوراکیها و پوشیدنیهای گوناگون می کوشند و به بهتر کردن و ظرافت آنها توجه می کنند و در صدد توسعه خانه ها و بنیان گذاری شهرهای کوچک و بزرگ برمی آیند، سپس رسوم و عادات توانگری و آرامش زندگی آنان فزونی می یابد و آنگاه شیوه های تجمل خواهی در همه چیز به حد ترقی و کمال میرسد، مانند تهیه کردن خوراکیهای متنوع و لذت بخش و نیکو کردن آشپزخانه ها و برگزیدن پوشیدنیهای فاخر رنگارنگ از ابریشم و دیا و جزاینها و برآوردن خانه ها و برگزیدن پوشیدنیهای فاخر رنگارنگ از ابریشم و دیا و جزاینها و برآوردن خانه ها و قصرهای بلند و با شکوه که با بنیانی استوار و منظره ای زیبا آنها را پی می افکنند. و در صنایع راه کمال را می پیمایند و آنها را از مرحله قوه به فعل درمی آورند و به نهایت درجه ترقی می رسانند، چنان که کاخها و خانه ها را بدانسان بنیان می نهند که دارای آب روان باشد و دیوارهای آنها را بلند می سازند و در زیبایی و ظرافت آنها مبالغه می کنند و در بهتر کردن کلیه وسایل معاش و زندگانی از پوشیدنی گرفته تا رختخواب و ظروف و ائاثه خانه می کوشند. این گروه شهر نشینانند یعنی آنان که در شهرها و پایتخت ها بسر می برند. و این شهر نشینان دسته ای برای بدست آوردن معاش خویش بکار صنایع می پردازند و گروهی بازرگانی را پیشه می کنند. و حرفه ها و مشاغل شهر نشینان نسبت به مشاغل چادر نشینان بارورتر و مقروتر به رفاه است، زیرا عادات و رسوم زندگی آنان از حد ضروریات در میگذرد و امور معاش ایشان به تناسب وسایلی که در دسترس آنان هست ترقی می کند. پس آشکار شد که تشکیل زندگانی اقوام و ملت های بیابان گرد و شهر نشین بطوریکسان بروفق امور طبیعی است و چنان که گفتیم هر کدام بر حسب ضرورت به شیوه ای می گرایند که اجتناب ناپذیر است. (مقدمه، ۲۵۵)

نقد پدیده شهرنشینی و ویژگی‌های اجتماعی

شهرنشینان از دیدگاه ابن خلدون: ابن خلدون در مقدمه به تفصیل در مورد شهر و ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و فیزیکی آن و انعکاس کالبدی عوامل مذکور سخن رانده و بر اساس وضعیت موجود شهردران زمان به تبیین اصولی متعدد در زمینه احداث آن‌ها پرداخته است. با مطالعه کتاب مقدمه همواره به دوکلمه مترادف سر می‌خوریم که در معنی مختلف هستند این دوکلمه یکی عمران و دیگری حضارت است. عمران از ریشه عبریه معنی ساکن بودن درجایی و معاشرت کردن با کسی و متریقی شدن و کشاورزی کردن و عبارت است از کلیه پیشرفت‌هایی که در شهر در زمینه‌های علمی، صنعتی، اقتصادی، هنری نصیب انسان می‌گردد. از این جهت به عقیده نامبرده انواع عمران داریم مثل عمران البدوی و عمران الحضری لیکن حضارت از ریشه حضر است که ابن خلدون بیشتر از آن مفهوم شهر و به خوی و اخلاق و آداب شهریان درآمدن و تپ زندگی شهری را پذیرفتن و به تجمل و لوکس گرایی خو گرفتن، تعبیر می‌کند. از مشتقات لغت مذکور کلمه حضری به معنی شهری و حضور به معنی شهرآمده است. (علیمردانی، ۱۳۸۵: ۱۳). ابن خلدون معتقد است نوع معیشت، شخصیت افراد را می‌سازد. وی از بسیاری جهات زندگی بادیه نشینی را مقدم بر شهرنشینی دانسته و عصیت را ویژگی خاص مردم بادیه نشین می‌داند و می‌گوید عصیت جز در بادیه به وجود نمی‌آید و جز در آن جا هم نمی‌تواند زنده بماند. به اعتقاد ابن خلدون عصیت عبارت است از دلاوری، شجاعت، دینداری، اخلاق، پیوندهای خونی، روح آزادی، فطرت پاک و سالم، بزرگواری و بخشنده‌گی، شهامت و بی‌باکی. وی معتقد است که چون محیط و نظام شهر سازگار با عصیت نیست پس عصیت در شهر به تدریج ضعیف و در نهایت بکلی نابود می‌شود. لیکن در این مورد هیچ مصداق و معیاری از طرف او ارائه نمی‌گردد و این از اشکالات اساسی وارد بر سیستم فکری مشارالیه می‌باشد. از طرف دیگر یکی از ایرادات تفکر ابن خلدون عدم انسجام مطالب ارائه شده در مورد یک موضوع واحد از سوی او است. ابن خلدون نقش دین را در ایجاد دولت بسیار قوی می‌داند و می‌گوید «دین قدرت عصیت را چند برابر می‌سازد و در مقابل زندگی شهری را عامل انحطاط و انقراض دین و دولت می‌داند، وی به نقش رهبری بسیار اهمیت داده و معتقد است نقش رهبر در تاسیس دولت و رونق تمدن معجزه گرمی باشد. در سیستم فکری ابن خلدون نوع زندگی، ثروتمندی و تجمل خواهی، رفاه، امنیت، تشکیلات جدید، محیط تازه و همه پدیده‌های شهرنشینی مرتبط از یک انسان بدوی موجودی می‌سازد که خصوصیات وی با کلی گذشته متفاوت است. از جمله این که:

۱. خون پرستی در او تضعیف می‌شود.

۲. به علت کار در بازار و کارمند دولت بودن رابطه او با قبیله اش فراموش می‌شود.

۳. دلبستگی ها و تعلقات گذشته اش تضعیف می گردد.

۴. به علت آمیزش با پول ارزش های مادی جای اندیشه های معنوی را می گیرد.

۵. به علت خو گرفتن به تجمل شهوت پرست شده و با اخلاق و دین غریبه می گردد.

بر این اساس انسان شهرنشین از خود بیگانه شده و ماهیتش دگرگون می گردد. پستی ها و رذایل صفحه پاک ضمیرش را می پوشاند و مذهب و اخلاقیات نیز که انسان را از آلوده شدن به گناه و فسق ممانعت می کردند در شهر از یادها می روند و فراموش می شوند انسان شهرنشین به هیچ اصلی پایبند نیست تا از انجام جنایت و تجاوز و حتاکی او را باز دارد (ابن خلدون، ۱۳۳۳: ۳۲۲) در زمینه نقد دیدگاه ابن خلدون نسبت به ساکنان شهر می توان چنین گفت که اصولاً نامبرده هیچ نوع ارزشی برای پدیده شهرنشینی قایل نیست و شهروندان را عمدتاً افرادی لایبالی و بی مصرف معرفی می کند که غالب آن ها انگل اجتماع محسوب می گردند. وی می گوید شهرنشینان در بستر آسایش و آرامش آرامیده و غرق ناز و نعمت و تجمل پرستی شده و در نتیجه خوی زنان و کودکان در آنان رسوخ یافته که باید خدواند خانه (ریس شهر) متکفل امور آنان باشد. و به خود هیچ گونه اعتمادی ندارند و این خوی به مثابه سرشت و طبیعت ایشان شده است. علاوه بر آن معتقد است که معمولاً در شهر اصل و نسب خانوادگی در طول زمان به علت امتزاج طبقات مختلف اجتماعی از بین می رود و در نتیجه در شهر خانواده های اصیل و دارای اصل و نسب مشخص پیدا نمی شود. و به همین سبب ساکنان شهر را افرادی بی هویت و پست و فرومایه تشکیل می دهد که به هیچ روی نمی توان برای آن ها حقوقی قابل گردید. شهرنشینی که دارای نسب صریح خانوادگی نیستند ممکن نیست به طور حقیقی واجد خانواده باشند و اگر چنین توهمی بکنند از دعاوی بیهوده خواهد بود. (همان، ۲۵۴)

نتیجه گیری

ابن خلدون، فیلسوف و جامعه شناسی بزرگ اسلامی، در آثار خود به ویژه « مقدمه » نگاهی دقیق و عمیق به رابطه شهر و روستا و تأثیر متقابل آن هابریکدیگر دارد. وی با رویکردی جامعه شناختی به بررسی تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جوامع شهری و روستایی پرداخته و به نتایج ارزشمندی دست یافته است. نتایج کلیدی این پژوهش را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

ابن خلدون تفاوت های بنیادین و اساسی بین شهر و روستا قایل است، به نظر او شهر ها مراکز تجمع جمعیت، تولید و تبادل کالاها و خدمات و همچنین کانون های تمدن و فرهنگ هستند. در مقابل روستاها به عنوان واحد های تولید اولیه بر پایه کشاورزی و دامداری استوارند و ساختار اجتماعی ساده تری دارند.

ابن خلدون، تحول تاریخی شهر و روستا را به عنوان یک فرآیند پویا و متأثر از عوامل مختلفی مانند محیط جغرافیایی، منابع طبیعی و شرایط سیاسی و اجتماعی تحلیل می کند. وی معتقد است که

شهرنشینی تدریجی و با افزایش جمعیت و پیچیدگی تقسیم کار همراه است. ابن خلدون به این باور است که شهر و روستا در یک رابطه متقابل و پیچیده با یکدیگر قرار دارند. شهرها به عنوان بازار محصولات کشاورزی و صنایع دستی روستاها عمل می‌کنند و درعین حال، کالاهای صنعتی و خدمات تخصصی را به روستاها عرضه می‌کنند. از سوی دیگر، روستاها نیز نیروی کار و مواد اولیه مورد نیاز شهرها را تأمین می‌کنند. ابن خلدون شهر را موتور محرک تمدن سازی می‌داند، به اعتقاد وی، شهرها با فراهم آوردن امکان تعاملات اجتماعی گسترده، رشد علم و دانش و توسعه صنایع زمینه را برای پیدایش تمدن‌های بزرگ فراهم می‌کنند. در ارتباط چالش‌های شهرنشینی ابن خلدون به این باور است، که چالش‌های ناشی از شهرنشینی نیز اشاره می‌کند. وی معتقد است که افزایش جمعیت در شهرها، رقابت بر سر منابع، و نابرابری‌های اجتماعی می‌توانند به بروز مشکلات عدیده‌ای مانند بزهکاری، فقر و بی‌عدالتی منجر شوند. اهمیت اندیشه‌های ابن خلدون در زمینه شهر و روستا، بینش جامع و تاریخی را با نگاهی جامع و تاریخی به پدیده‌های شهرنشینی می‌پردازد و به عوامل مختلفی که بر تحولات شهر و روستا تأثیر می‌گذارند، توجه می‌کند. وی به ابعاد مختلف زندگی شهری، روستایی از جمله اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی توجه می‌کند و به این ترتیب درک جامع‌تری از این دو پدیده ارائه می‌دهد. بسیاری از تحلیل‌های ابن خلدون در مورد شهر و روستا، همچنان برای درک بهتر تحولات اجتماعی امروزین مفید است.

اندیشه‌های ابن خلدون، الهام بخش بسیاری از پژوهشگران در زمینه جامعه‌شناسی شهری و روستایی بوده است. در نتیجه ابن خلدون با ارائه یک تحلیل جامع و عمیق از رابطه شهر و روستا، به یکی از پیشگامان جامعه‌شناسی شهری و روستایی تبدیل شده است. اندیشه‌های وی همچنان برای درک بهتر تحولات اجتماعی و چالش‌های پیش روی جوامع شهری و روستایی در عصر حاضر ارزشمند و قابل تأمل است.

پیشنهادهای

۱. توسعه متوازن شهر و روستا،
۲. توجه به تأمین زیرساخت‌های اساسی در روستاها (مانند آموزش، بهداشت و حمل و نقل)
- می‌تواند از مهاجرت بی‌رویه به شهرها و بروز مشکلات شهری جلوگیری کند،
۳. حفظ و تقویت ارتباط متقابل شهر و روستا،
۴. تحلیل تاریخی-اجتماعی تحولات شهری و روستایی،
۵. تقویت نقش روستا و شهرها در تمدن‌سازی،
۶. بهره‌گیری از منابع طبیعی و جغرافیایی تا ظرفیت‌های بومی به درستی به کار گرفته شوند و پایداری محیط‌زیستی حفظ شود.

منابع

- ابن خلدون (۱۳۳۳) المقدمة، مترجم محمد پروین گنابادی، تهران: انتشارات علمی.
- ابن خلدون، (۱۳۶۳) تاریخ ابن خلدون، مترجم عبدالمحمد آیتی، تهران: انتشارات علمی.
- آزاد ارمکی، تقی، (۱۳۷۶) جامعه شناسی ابن خلدون، تهران: انتشارات تنیان.
- جعیت، هشام، (۱۳۷۲) کوفه پیدایش شهر اسلامی، مترجم عبدالحسن سروقد مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رادمنش، عزت الله، (۱۳۵۴) کلیات عقاید ابن خلدون در باره فلسفه تاریخ و تمدن، تهران: انتشارات قلم.
- A.J.Toynbee: A Study of History, vol. III, London, 1946, P.322.
- Ayvlagst, D. (1975). Ideology of Ibn Khaldun, (Mehdi Zafari trans.):Tehran University Press. –
- Becker, H., & Barnes, H.E. (1957). Social Thought (Vol. 1), Washington D.C